

دکتر گری میدورز، شناخت اراده خدا، جلسه ۱۲، نقش روح القدس

گری میدورز و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

به دوازدهمین سخنرانی ما خوش آمدید. این دوازدهمین سخنرانی جنرال موتورز است و این بار واقعاً باید یادداشت‌هایتان را جلوی‌تان داشته باشید زیرا اسلایدهای کمتری وجود دارد و ما بیشتر به یادداشت‌ها وابسته هستیم. من تعدادی یادداشت دارم و برایم مهم است که برخی از اظهاراتم کمی مفصل‌تر از گاهی اوقات شما با اسلایدها باشد.

خب، حالا، اگر فهرست مطالب را به خاطر داشته باشید، ما در چالش‌های ذهنی هستیم. ما در مورد وجدان صحبت کردیم. وجدان شاهدهی بر جهان بینی و ارزش‌های ماست.

بسیار خوب، حالا می‌خواهیم درباره نقش روح القدس صحبت کنیم. البته، این می‌تواند یک حوزه بسیار بحث‌برانگیز باشد. من قصد ندارم همه دیدگاه‌های مختلف را اینجا پوشش دهم.

من قصد دارم دیدگاهی در مورد دیدگاهم در مورد ارتباط روح القدس با مسئله قضاوت در مورد کتاب مقدس و نحوه تفسیر آن به شما ارائه دهم. اینها ایده‌های درخشان من نیستند. در واقع، موارد بسیار کمی ایده‌های درخشان من هستند.

آنها نتیجه تحقیق هستند. من در این جزوه به برخی از منابع اشاره خواهم کرد. در واقع، من منابع بیشتری را در اختیار شما قرار می‌دهم.

من این کار را نمی‌کنم، ممکن است در بازیابی برخی موارد مشکل داشته باشید. دکتر هیلدبرند، استاد آموزش الکترونیکی کتاب مقدس، وقتی مشکل حق چاپ نباشد، فهرست منابع را در انتهای درس‌ها قرار می‌دهد. و ما متوجه می‌شویم که این مسائل بیشتر و بیشتر به یک مشکل تبدیل می‌شوند.

بنابراین، ما همیشه نمی‌توانیم چیزها را آنجا قرار دهیم. اما اگر راهی برای پیدا کردن آن دارید، می‌توانید مطالعه بیشتری داشته باشید. بسیار خوب.

است. و حالا به سراغ بحث در مورد این سوال در مورد روح القدس GM 12، خوب، این درس دوازدهم می‌رویم. این پنوماتولوژی، پنوما، البته کلمه‌ای است که برای باد و نفس به کار می‌رود، و به اسمی برای روح تبدیل می‌شود.

روح القدس خدا، شخص سوم تثلیث. یکی از چیزهایی که دوست دارم در مورد تثلیث بگویم این است که در تثلیث حسادت وجود ندارد. شما پدر، پسر و روح القدس را دارید.

هر کدام به طرق مختلفی در کتاب مقدس تصویر شده‌اند. و اگر به یکی بدون در نظر گرفتن بقیه نگاه کنیم، دچار اشتباه شده‌ایم. اما آنها خودشان را به تصویر می‌کشند.

البته پدر، خود را بسیار شبیه به کلمه پدر تصویر می‌کند. و پسر خدا، عیسی، شخص دوم تثلیث است و نقش خود را دارد. و شخص سوم تثلیث، او به نوعی جنبه کاربردی دارد.

و ما امروز در تعدادی از متون به این موضوع اشاره خواهیم کرد. بنابراین، روح و هدایت در دوران کلیسا وجود داشت. صفحه اول از آنچه که دارید.

ما با یک خلاصه شروع خواهیم کرد. سپس، به تاریخچه الهیات روح خواهیم پرداخت. ما به تعدادی از متون امروزی و نحوه ارتباط آنها با هدایت خواهیم پرداخت.

من معمولاً نقل قول‌های طولانی نمی‌گویم، اما چون به دلیل قوانین حق نشر نمی‌توانیم این مقالات را در کلاس‌ها قرار دهیم، می‌خواهم نقل قولی کمی طولانی‌تر از حد معمول برایتان ارائه دهم. مجموعه‌ای از کتاب‌های جان موری وجود دارد. جان موری در زمانی که مدرسه علمیه پرینستون یک مدرسه علمیه مسیحی بسیار محافظه‌کار بود، استاد این مدرسه بود.

تعدادی از آنها پرینستون را ترک کردند. وارفیلد یکی دیگر از آنها بود. آنها مدرسه الهیات وست مینستر را در فیلادلفیا تأسیس کردند.

و بنابراین، این نویسنده مسن‌تر است و مجموعه‌ای چهار جلدی به نام «نوشته‌های گردآوری‌شده» دارد چیزی که در مورد آنها دوست دارم این است که موضوعات زیادی را پوشش می‌دهند و معمولاً کوتاه هستند تا خیلی گیج نشوید. او همچنین مقالات بسیار خوبی در زمینه‌های مختلف دارد.

مقاله بسیار خوبی در مورد اراده آزاد. شما جان موری را به عنوان یک کالونیست به معنای کلاسیک آن می‌شناسید. با این حال، من قبلاً از دانشجویانم می‌خواستم مقاله او در مورد اراده آزاد را بدون اینکه به آنها بگویم چه کسی آن را نوشته است، بخوانند، تا اینکه در مورد آن بحث کردیم.

و همه آنها از آن بسیار تحت تأثیر قرار گرفتند. اما بسیاری از مردم وقتی کلمه کالونیسم یا کالونین یا چیزی شبیه به آن را می‌گویند، از آن روی برمی‌گردانند. شما باید این چیزها را مطالعه کنید، نه اینکه فقط کلیشه‌هایی در مورد آنها داشته باشید.

اما این نقل قولی است که در صفحه اول یادداشت‌هایی که به شما داده‌ام آمده است. صحبت از هدایت روح القدس بجاست. سوال این است که چگونه؟ خب، این سوال بزرگی است.

شما می‌توانید این سوال را به روش‌های زیادی به کار ببرید. گاهی اوقات، مهم نیست کتاب مقدس چه می‌گوید؛ مهم این است که منظور کتاب مقدس چیست. شعر چه معنایی دارد؟ رساله‌ها چه معنایی دارند؟ چون این ارتباط زیادی با «چه دارد؟» با محصول.

و بنابراین، ما این سوال را می‌پرسیم که روح القدس چگونه قوم خدا را هدایت و راهنمایی می‌کند؟ همانطور که موری ادامه می‌دهد، کتاب مقدس تنها قانون مصون از خطا برای عمل است. نتیجه‌ی این امر این است که ما نمی‌توانیم به دنبال الهامات جدید روح باشیم، به آنها تکیه کنیم یا آنها را مطالبه کنیم. ما در عصر وحی و الهام زندگی نمی‌کنیم.

ما در عصری زندگی می‌کنیم که به کتاب مقدس پایبندیم، نه اینکه آن را توسعه دهیم. ما کلام خدا را به ارث می‌بریم، نه اینکه آن را خلق کنیم یا به نوشتن آن ادامه دهیم. نتیجه‌ی این امر این است که ما نباید به دنبال الهامات جدید روح باشیم، به آن وابسته باشیم یا آن را مطالبه کنیم.

ما در عصر وحی و الهام زندگی نمی‌کنیم. نادیده گرفتن کفایت کتاب مقدس، که روح القدس به آن شهادت می‌دهد، بی‌احترامی به روح القدس است. اینکه ما انتظار داشته باشیم یا ملزم باشیم که وحی‌های ویژه ما را در امور زندگی هدایت کنند، کفایت کتاب مقدس را تضعیف می‌کند.

این مسئولیت ماست که عملکرد روح را از قاعده‌ی عملی خطاناپذیر و کافی که او برای ما فراهم کرده است جدا کنیم. تنها راهی که می‌توانیم از این خطا، یعنی اتکا به اطلاعات مستقیم از روح، اجتناب کنیم، این است که معتقد باشیم هدایت و راهنمایی روح القدس از طریق وسایلی است که او فراهم کرده است. می‌توانیم اضافه کنیم که او از قبل از طریق رسولان و پیامبران این وسایل را فراهم کرده است و این کار اوست که ما را قادر می‌سازد تا کتاب مقدس را به درستی در موقعیت‌های مختلف زندگی تفسیر و به کار گیریم.

مفهوم هدایت از طریق تأثیر فوری، که معمولاً ادعا می‌شود روح است، تفکر ما را در مورد این سوال از هدایت تحریف می‌کند و آنچه رسولان برای مؤمنان در کولسی دعا کردند را بی‌معنی می‌کند. ما قصد داریم به تفصیل در مورد آن متن صحبت کنیم، و این درک از دوم تیموتائوس را که همه کتب مقدس از جانب خدا الهام گرفته شده و برای همه چیز کافی است، تضعیف می‌کند. حال، این از کتاب او در مورد نوشته‌های گردآوری شده است، مقاله هدایت روح القدس در جلد 1 است. بنابراین، ما قصد داریم این ایده را بررسی کنیم.

بنابراین، روح ما را هدایت می‌کند، اما ما را از طریق کلام هدایت می‌کند، و همانطور که پیش می‌رویم خواهید دید که وجدان و روح راه‌های بسیار مشابهی دارند، و گاهی اوقات تشخیص آنها در فرآیندهای درونی ما بسیار دشوار است. مفهوم به اصطلاح روشن‌بینی در صفحه ۱، حدود دو سوم از مسیر، بهتر است شاهد درونی روح نامیده شود. ما در مورد وجدان به عنوان یک شاهد صحبت کردیم.

خب، ما قرار است در مورد روح القدس به عنوان یک شاهد صحبت کنیم. مفهوم به اصطلاح روشن‌بینی، بهتر است به عنوان شاهد درونی روح القدس نامیده شود. به چند قسمت توجه کنید.

رومیان ۸:۱۶. خودِ روح، آنها در صفحه اول هستند. من این عبارت را به شما می‌دهم. خودِ روح شهادت می‌دهد.

به یاد داشته باشید، ما با وجدان خود دیدیم که کلمه شهادت، کلمه‌ای رایج است. با روح خود شهادت می‌دهد که ما فرزندان خدا هستیم. این جنبه‌ای رستگاری‌بخش دارد.

ما می‌دانیم که مسیحی هستیم چون نمی‌توانیم از آن فرار کنیم. این تغییر دین معجزه خداست و ما متوجه می‌شویم که بله، واقعاً اتفاقی برای من، برای من، افتاده است و حالا که در فیض و دانش خداوند عیسی رشد می‌کنم، بیشتر و بیشتر می‌بینم که این موضوع چگونه بر زندگی من تأثیر گذاشته است. و بنابراین، روح القدس در این زمینه شهادت داد و ما در یک دسته‌بندی در مورد آن صحبت خواهیم کرد.

اول یوحنا ۵:۱۰. کسی که به پسر خدا ایمان دارد، چه چیزی دارد؟ شهادت اشاره به روح است. شهادت در او.

روح القدس در اول یوحنا شهادت کتاب مقدس را تعلیم داد. رومیان ۵. عشق خدا از طریق روح القدس در قلب‌های ما ریخته شده است. و قلب، دوباره در کتاب مقدس، همان ذهن است.

روح القدس به ما اطمینان می‌دهد. یوحنا در اول یوحنا در مورد این حقیقت که ما مسیح را می‌شناسیم، زیاد صحبت می‌کند. یوحنا نوشته شده است تا به این حقیقت که عیسی، مسیح موعود است، شهادت دهد.

رساله اول یوحنا نوشته شده است تا شهادت دهد که ما به او ایمان آورده‌ایم. این نوعی اطمینان به نجات در رساله اول یوحنا است، و با این حال، این اطمینان در نحوه ارائه آن کاملاً مشهود است. جالب است

بسیار خوب، بیایید در مورد یک مرور تاریخی از روح صحبت کنیم. بین کلیسای کاتولیک روم و اصلاح‌طلبان در مورد مسئله مرجعیت اختلاف نظر وجود داشت. همانطور که احتمالاً می‌دانید، در رومیسم، کلیسا مرجعیت نهایی را اعمال می‌کند، از جمله مرجعیت انحصاری برای بیان معنای کتاب مقدس

ساختار آنها کلام و کلیسا بود، اما کلام هرگز از آنچه کلیسا در مورد آن فکر می‌کند، جدا نیست. کلیسای کاتولیک رومی ساختارهای مرجعیت خود را دارد. با این حال، اصلاح‌طلبان تنها در کتاب مقدس مرجعیت دارند و مؤمن حق و مسئولیت دارد که کتاب مقدس را مطالعه کند و در مورد معنای آنها به نتیجه برسد

بنابراین، به جای کلمه کلیسا، اصلاح‌طلبان به کلمه روح روی آوردند. روح به کلام شهادت می‌دهد. این یک روش ساده برای بیان آن است

بیایید کمی با جزئیات بیشتر به آن نگاه کنیم. خود کالوین، و ضمناً، وقتی وارد این بحث کالوینیسم یا متدیسم و غیره می‌شوید، به خودتان لطف کنید. کالوین را بخوانید

به حرف مردم در مورد او گوش ندهید، و فکر می‌کنم متوجه خواهید شد که کالوین، حداقل، بسیار قابل درک‌تر از پیروانش است. پس او را بخوانید. کالوین معادله را از کلمه کلیسا به کلمه روح تغییر داد

اصلاح‌طلبان اقتدار جدیدی برای کلام داشتند، نه کلیسا، بلکه روح خدا، که همه مؤمنان را در یک سطح قرار می‌دهد. او آن را آموزه شهادت نامید. حدس بزنید چه؟ کلمه شاهد، کلمه شهادت، روح در نجات به مسیح شهادت می‌دهد، روح در متقاعد کردن ما به حقیقت کلام به آن شهادت می‌دهد

کالوین نقش روح القدس را ملزم کردن می‌دانست. لطفاً زیر آن کلمه، یعنی ملزم کردن قلب مؤمن، خط بکشید و این همان چیزی است که در کتاب مقدس، در مورد حقانیت و اقتدار کتاب مقدس آمده است. کالوین آن را تأیید مؤثر کلام نامید. چرا ما به عنوان مسیحی به کتاب مقدس ایمان داریم؟ چرا به متنی ایمان داریم که واقعاً نمی‌خواهیم از آن اطاعت کنیم، اما آن متن برای ما روشن می‌کند که باید از آن اطاعت کنیم و احساس محکومیت می‌کنیم؟ خب، ما به دو دلیل احساس محکومیت می‌کنیم

وجدان، اگر ذهن دگرگون‌شده‌ی ما به‌روز باشد، و روح خدا می‌تواند ما را محکوم کند، و من به شما می‌گویم، که تقریباً هیچ راهی برای تشخیص بین این دو وجود ندارد. پس داور نهایی چیست؟ داور نهایی، بار دیگر، جهان‌بینی و ارزش‌هایی است که به درستی توسط خود کلام خدا وضع شده‌اند. برای کالوین، این تأیید مؤثر، نقش روح، نقش اقناع بود

ترغیب، یعنی چه؟ یعنی شما را متقاعد کند که کلام خدا حقیقت دارد و شما مسئولیت دارید که آن را آشکار کنید. بنابراین، نقش روح القدس ترغیب است، نه محتوا. روح القدس از طریق رسولان و پیامبرانی که کتاب مقدس را در اختیار ما قرار می‌دهند، از قبل به محتوا رسیدگی کرده است

محتوا، کلامی بود که روح به آن شهادت می‌دهد. بنابراین، روح القدس وظیفه‌ی مداومی در گفتن به ما ندارد. روح القدس وظیفه‌ی مداومی در شهادت دادن به ما و ملزم کردن ما به آنچه باور کنیم، دارد

نه رضایت، بلکه اعتقاد راسخ. رام، برنارد رام، که مدت‌ها پیش فوت کرده و یک محقق کتاب مقدس بود مطالب زیادی در مورد تفسیر روش‌های نئوپروتستانی نوشت. «شهادت روح» پایان‌نامه او بود و در قالب یک کتاب منتشر شد و یکی از بهترین کتاب‌های کوچک در مورد این موضوع از «شهادت روح» است.

ببینید، شاهد روح، روش کلامی رسمی برای توصیف چیزی است که برخی آن را اشراق می‌نامند. راستش را بخواهید، اشراق کلمه خوبی برای صحبت کردن نیست، زیرا اشراق استعاره‌ای از محتوا، به یک معنا، و فهم را به همراه دارد. تعریف فهم در این حوزه بسیار دشوارتر از روشی است که مردم از کلمه اشراق استفاده می‌کنند.

خدا من را روشن کرد. خب، خدا تو را در مورد کتاب مقدس متقاعد کرد. بعضی‌ها می‌توانند بیایند و بگویند، خب، خدا برای من روشن کرد که این آیه یعنی وقتی می‌توانی قطعاً نشان بدهی که آنها اشتباه می‌کنند.

باشه؟ پس، از روشنگری مثل اهرمی برای مردم استفاده می‌شود تا دیدگاهشان را نسبت به متن به دست آورند. اما به جای روشنگری، بیشتر شاهدهی بر کلام است. رام کالوین را خلاصه کرد زیرا شهادت، نوعی ترغیب است.

به این توجه کنید. می‌بینید، این همان اعتقاد راسخ است. این نوعی ترغیب و تشویق در مورد چیزی است.

این محتوای خودش نیست. شهادت یک عمل آشکارکننده است، نه یک محتوای آشکار شده. این یک اشراق است، نه یک ارتباط.

خب، درک درستی از کلمه «روشنایی» وجود دارد، اما صادقانه بگویم، ترجیح می‌دهم از این اصطلاح اجتناب کنم چون فکر می‌کنم گمراه‌کننده است. به همین دلیل، کالوین با مشتاقانی که ادعا می‌کردند وحی محتوا دارد مخالفت می‌کرد و این یکی از جنجال‌ها نبود. در واقع، در اوایل، وارفیلد با کلیسای روم در مورد معجزات بحث می‌کرد و این هم یک بخش جالب از تاریخ است.

این را از منظر نجات اولیه و عمل موعظه در نظر بگیرید. ما آن شهادت روح را داریم که با روح ما گواهی می‌دهد که ما فرزندان خدا هستیم، و شما نمی‌توانید این را در لوله آزمایش قرار دهید، اما ما آن را می‌دانیم. این یک اعتقاد درونی است.

نمی‌توانید از آن فرار کنید. خب، روح به کلام شهادت می‌دهد، و وجدان ما به کلام شهادت می‌دهد، و هر دوی اینها در درون ما با ما کار می‌کنند تا ما را در مسیر درست و باریک نگه دارند. اما محتوایی وجود ندارد که داده شده باشد.

این یک اعتقاد راسخ است زیرا محتوا از قبل در کتاب مقدس وجود دارد و این چیزی است که ما باید با آن ارتباط برقرار کنیم. ما یک کتاب مقدس الهام گرفته شده داریم. ما مفسران الهام گرفته شده نداریم و شما نمی‌توانید با این ادعا که روح به من گفته است که این دیدگاه درست است، از این مشکل عبور کنید.

اگر مثلاً ۱۰ مفسر کتاب مقدس خداترس و به یک اندازه آموزش دیده داشته باشید، و فرض کنیم که همه آنها از نظر خداترسی برابرند، و با این حال با هم اختلاف نظر داشته باشند، چه کار خواهید کرد؟ خب، حق با کیست؟ خواهید گفت، پسر، من این مشکل را نمی‌خواهم. خب، این مشکلی است که خدا به ما داده است. خب، این بخشی از واقعیت ماست.

افرادی به یک اندازه خداترس و به یک اندازه آموزش دیده که به دیدگاه‌های متفاوتی از یک متن واحد می‌رسند، این یک واقعیت است، بنابراین بخشی از اراده و فرمان خداست. چرا؟ در شک و تردید. ما نمی‌دانیم، اما این چیزی است که با آن روبرو هستیم.

و بنابراین، بنابراین، شما نمی‌توانید بیایید و بگویید، خب، همانطور که برخی تلاش کرده‌اند، به نظر من ساده‌لوحانه، نمی‌توانید بگویید که تفسیر کتاب مقدس یک مسئله اخلاقی است، زیرا پس شما می‌گویید که افرادی که به یک اندازه خداترس هستند و با هم اختلاف نظر دارند، یکی غیراخلاقی و دیگری اخلاقی است. همین. این مسیری است که شما نمی‌خواهید در آن قدم بگذارید.

این روش بدی برای توضیح مشکل این واقعیت است که ما در رابطه با کتاب مقدس از بین افراد خداترس تنوع داریم. شما باید روح خدا را به خاطر یکی که اشتباه است سرزنش کنید، و البته حق با شماست، و دیگری اشتباه است. همیشه همینطور است.

این طرز فکر بدی در مورد این ایده‌ها است. این یک ترغیب است، نه یک محتوا. خود شهادت یک عمل آشکارکننده است، نه یک محتوای آشکارشده.

این یعنی اینکه محکومیت بخشی از روح و وجدان است و شما باید آن را کشف کنید. انجام این کار به طور کلی برای ما آسان نیست زیرا هر دو یک کار را انجام می‌دهند و فقط کلام آخر کتاب مقدس است که می‌تواند قضاوت کند. به همین دلیل، کالوین با مشتاقی که ادعای وحی با محتوا را داشت، مخالفت کرد. به این موضوع از نظر نجات اولیه و عمل موعظه فکر کنید.

ما محکوم شده‌ایم. ما محتوایی که به ما داده شده را نداریم. محتوا در کتاب مقدس است.

حال، کمی بیشتر در مورد این موضوع با استفاده از متون دیگر صحبت خواهیم کرد. مروری الهیاتی بر این موضوع. شهادت روح القدس در رابطه با تثلیث.

اگر متوجه شده باشید، در صفحه دوم جزوه شماست و من از روی متن دیگری می‌خوانم چون چشمانم برای خواندن از روی آن حروف ریزتر خیلی ضعیف است، و آن متن هنوز مال من است. بسیار خب. یک مرور کلی الهیاتی در صفحه دوم یادداشت‌های شما آمده است.

شهادت روح در رابطه با تثلیث. نقش روح، تجلیل مسیح است. شما این را به خوبی از کتاب یوحنا و جاهای دیگر می‌دانید.

روح هرگز به عنوان یک هدف در خود تصور نمی‌شود. روح، شخص قرض گیرنده در تثلیث نیست. روح، فرمان و کار پدر و پسر را انجام می‌دهد.

نقش روح القدس، تجلیل مسیح است. روح القدس هرگز به عنوان یک هدف در خود تصویر نشده است، بلکه وسیله‌ای برای رسیدن به یک هدف است و آن هدف مسیح است. او شاهد است، گواهی می‌دهد که عیسی مسیح است.

او ما را به سوی مسیح هدایت می‌کند. او مسیح را جلال می‌دهد. او مسیح را از طریق کلام به ما می‌آموزد.

و شما نمی‌توانید این را روی کاغذ بیاورید. این چیزی است که در درون اتفاق می‌افتد. این تأیید شده است، و توضیح داده نشده است که چگونه، اما یک واقعیت است.

و با این حال، در عین حال، تنها قضاوتی که می‌توانیم در سطح انسانی انجام دهیم، قضاوت در مورد این واقعیت است که ما کتاب مقدس را به طور دقیق تفسیر می‌کنیم، و در عین حال، هنوز هم تنوع داریم بنابراین، می‌توانید تنشی را که در اینجا وجود دارد ببینید زیرا خداوند مقرر نکرده است که مفسران الهام‌بخش به ما بدهد، فقط در کتاب مقدس الهام‌بخش. به این نقل قول از رام توجه کنید

تأمل در شخصیت و کار روح القدس نشان می‌دهد که او مجری الوهیت است. هیچ آموزه کتاب مقدسی مبنی بر ارتباط متافیزیکی یا هستی‌شناختی بین خالق و خلقت وجود ندارد. او از ما جداست، بین خالق و خلقت

این ارتباط مستقیم است. این ارتباط توسط روح القدس خدا، مجری الهی، برقرار می‌شود. او رستگاری را به اجرا می‌گذارد.

چگونه؟ با شهادت به حقیقت مسیح و شهادت به ... این راه است. به یک معنا، این سلاح مخفی ماست. این یک ارتباط مستقیم است.

ببخشید، چشمان من کمی مشکل دارند. قوه مجریه الهی مستقیماً خلقت و مخلوق را لمس می‌کند. با این حال، در این لمس، در این کار به عنوان یک قوه مجریه، مانند وجدان، او نقشه‌های عمل خود را ابداع نمی‌کند.

او نقشه‌های دیگران، یعنی خدا و کلام را اجرا می‌کند. او با ارجاع به چیزی فراتر از خودش عمل می‌کند. او شاهدهی بر [چیزی] است، همانطور که وجدان شاهدهی بر [چیزی] است.

او کسی است که بر یوحنا ۱۵:۲۶ شهادت می‌دهد، و بنابراین محتوای این شهادت خارج از خودش وجود دارد. چه چیزی خارج از خودش وجود دارد؟ کتاب مقدس. و بنابراین روح القدس شاهد متن است، نه متن. بیشتری به شما می‌دهد، و رک بگویم حتی معنای آن متن را هم به شما نمی‌دهد.

شاهد بودن بر متن از نظر ارزش آن و نیاز شما به تفسیر آن، دلیل این است که ما، همین جا متوقف می‌شود، و به همین دلیل است که ما این تنوع را در بین افراد خداترس داریم که به طور یکسان آموزش دیده‌اند. او هدیه پدر به پسر و پسر به شاگردان است، بنابراین او نیت دیگری را انجام می‌دهد. بنابراین، شما با نوعی الهیات روبرو هستید.

علاوه بر این، در آن الهیات، شهادت روح و وحی مطرح است. روح به کلام شهادت می‌دهد. آنها شاهدان مستقلی نیستند و در رقابت با هم نیز نمی‌باشند.

بنابراین، من یک فهرست منابع در این مورد به شما داده‌ام. امیدوارم بتوانید کمی آن را دنبال کنید، اما این برای درک این موضوع بسیار مهم است. روح القدس در مورد محتوا نیست. روح القدس شاهد محتوایی است که شما از قبل دارید و شما باید نحوه عملکرد آن را کشف کنید.

در نهایت، نکته اصلی این است که مسئولیت شما و نقش تفسیر کتاب مقدس این است که به قضاوت برسید. به عنوان شاهدان روح و رستگاری، ما این را در رومیان دیدیم، کاری که به موجب آن روح شخص را قادر می‌سازد تا حقیقت کلام در مورد نیاز خود به رستگاری را تشخیص دهد و به آن پاسخ دهد. ما نمی‌توانیم مردم را مجبور به باور کردن کنیم.

ما حتی نمی‌توانیم آنها را درک کنیم. می‌توانیم چیزهایی را به آنها بگوییم، می‌توانیم آنها را تشنه کنیم، اما نمی‌توانیم آنها را از چشمه حیات بنوشیم. اما اگر به اندازه کافی تشنه شوند، و ما سلاح مخفی روح خدا را داشته باشیم که آنها را به حقیقت آن متن متقاعد می‌کند، به همین دلیل است که وقتی من بشارت می‌دهم، آنها را وادار به خواندن آن آیات می‌کنم.

با این حال، من فقط آنها را نقل قول نمی‌کنم. من آنها را مجبور به خواندن آنها می‌کنم زیرا امیدوارم که از طریق چشم، به اعماق وجود آن فرد وارد شود. شاهد روح و تفسیر

البته، بسیاری از بحث‌ها از همین جا ناشی می‌شود. بگذارید این‌طور بگوییم: هر روحی با روح القدس رابطه‌ای را حفظ می‌کند.

همه ما یک رابطه را حفظ می‌کنیم. من اینجا قصد ندارم زیاد وارد جزئیات شوم. پر شدن از روح القدس به چه معناست؟ خوب، کلمه پر شدن یک استعاره است.

دورکاس پر از کارهای نیک بود. این یعنی دورکاس با کارهای نیک شناخته می‌شد. اگر کلمه «شخصیت یافته» را به کلمه «پر کردن» ربط دهید، فکر می‌کنم درک بهتری از این استعاره خواهید داشت.

پر شدن از روح القدس به معنای داشتن آموزه‌ای است که روح القدس ما را به آن ملزم می‌کند. پر شدن از روح القدس به معنای دریافت بیشتر روح القدس نیست. به معنای دریافت چیزی نیست که شخص دیگری ندارد.

پر شدن از روح به معنای توصیف شدن با امور روحانی است و امور روحانی خود متن هستند. هر مؤمنی با روح القدس رابطه برقرار می‌کند. آنچه معمولاً روشن بینی نامیده می‌شود، بهره تجدید حیات است که در آن روح به مؤمن کمک می‌کند تا ظرفیت تسلیم شدن در برابر آموزه‌های کتاب مقدس در مورد خود و کارمان را به کار گیرد.

ما قبل از گرویدن به مسیحیت این ظرفیت را نداشتیم. ما ذات قدیمی خود را داریم و از ذات قدیمی پیروی می‌کنیم. گرویدن به مسیحیت، ذات جدیدی به ما می‌دهد، مجموعه‌ای جدید از ویژگی‌ها و صفات

اکنون، ما به جای طبیعت قدیم، بر آنها تمرکز می‌کنیم و وارد آن نبرد بین طبیعت قدیم و جدید می‌شویم. فرآیند واقعی ارزیابی معنای مورد نظر کتاب مقدس، وظیفه هرمنوتیک است. این وظیفه تفسیر است.

توانایی آشکار کردن این معنای مورد نظر، به مهارت مفسر در به کارگیری متون مقدس، به کارگیری علم و هنر هرمنوتیک و تمایل به تسلیم شدن در برابر آنچه متون مقدس واقعاً تعلیم می‌دهند، بستگی دارد. روح القدس نه محتوا را منتقل می‌کند، نه وحی جدید و نه وحی را تفسیر می‌کند. روح القدس محتوای جدیدی به مفسر نمی‌دهد؛ بلکه، به شیوه‌های غیرقابل توضیح، به مفسر کمک می‌کند تا تسلیم آموزه‌ای شود که مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

و من تا آنجا پیش می‌روم که بگویم، به ویژه مفسر را محکوم می‌کنم که اجازه ندهد پیش‌فرض‌های خودش وارد عمل شود، و با این حال، تقریباً غیرممکن است که یک مفسر اجازه ندهد آن ساختارهای خلاقانه‌ای که او را در تفسیر کلام هدایت می‌کنند، وارد عمل شوند. بنابراین، می‌توانید من، هاوارد مارشال، را به عنوان یک وسلیایی، و می‌توانید برخی از نمایندگان اصلی، مانند جان موری، از سنت‌های کالوینیستی را در کنار هم داشته باشید. آنها در مورد یک متن به نتیجه متفاوتی می‌رسند، و با این حال هنوز هم با خدا ارتباط دارند.

این بخشی از عرصه‌ی انسانی است. خداوند غلبه بر آن را مقدر نکرده است. او ما را با آن تنش رها می‌کند.

او ما را با آن تنوع رها می‌کند، و ما به کلام خدا وابسته‌ایم، و باید مسیر خود را بپیماییم و تصمیمات خود را بگیریم، اما در هماهنگی با دیگر مسیحیانی که مسیرهای دیگری را پیموده‌اند، زندگی کنیم. حالا، همه حق ندارند، اما به هر دلیلی، خدا بیشتر در مورد این فرآیند حکم کرده تا اینکه حق با او باشد، تا زمانی که ما در یک سطح باشیم. و معمولاً چیزی که ما آن را مسائل اصلی ارتدوکس می‌نامیم، مسئله اینجا نیست.

حالا، یک پرده در صفحه بعد در یادداشت‌های شما، در پایین، یا در صفحات دو و سه وجود دارد. من فهرستی از مواردی را که باید بررسی کنید، به شما داده‌ام. و این فقط بخش کوچکی از آن است. همانطور که می‌توانید تصور کنید، انرژی زیادی صرف تلاش برای باز کردن همه اینها می‌شود.

کریگ کینر یک شخصیت مهم و بیشتر شبیه به آرمین است. او آثار ادبی زیادی دارد. من آن را به خاطر نمی‌آورم.

احتمالاً اینجا دارمش، اما فکر نمی‌کنم داشته باشم. اینها چیزهایی هستند که خودم در درجه اول از آنها استفاده می‌کنم. و بنابراین شما هم می‌توانید سنت‌های خودتان را داشته باشید.

شما از آن نقطه نظر به آن پی می‌برید. اما واقعیت این است که شما باید آن را به دست آورید. نمی‌توانید فقط بگویید که روح به من گفته است که این حقیقت است.

نه، کتاب مقدس به شما می‌گوید که حقیقت چیست. ما در مورد کتاب مقدس متقاعد شده‌ایم، اما این متقاعد شدن‌ها در چارچوب الگوهایی عمل می‌کنند که ما برای تشخیص و اعمال در تفسیر انتخاب کرده‌ایم. این تنوع جامعه مسیحی است.

کلیسای کاتولیک رومی می‌خواهد از شر آن خلاص شود. اما واقعیت این است که نمی‌توانید از شر آن خلاص شوید زیرا این امر توسط خدا در جامعه‌ی مؤمنین مقرر شده است. اینکه چرا خدا تصمیم گرفت این کار را به این شکل انجام دهد، من نمی‌دانم، اما او این کار را کرد.

و بنابراین ما باید در برابر حاکمیت او و این واقعیت که، به هر دلیلی، او این را رویکردی برتر از ارائه تفسیری، الهام‌بخش می‌داند، سر تعظیم فرود آوریم. شاید برج بابل را از روی قیاس، نمی‌دانم، اما با این وجود آنجاست. بنابراین این تاریخ است، کمی الهیات، اما من می‌خواهم به متن نگاه کنم.

می‌خواهم به اول قرن‌تین، فصل ۱، ببخشید، فصل ۲، آیات ۶ تا ۱۶ نگاهی بیندازید. این مقاله والتر کایزر است که به شما داده‌ام و فکر می‌کنم برای مطالعه مفید باشد. خواهیم دید که آیا می‌توانیم آن را در سایت یادگیری کتاب مقدس قرار دهیم تا بتوانید آن را داشته باشید.

من مطمئن نیستم که قوانین مجله الهیات وست‌مینستر در مورد به اشتراک گذاشتن این نوع مطالب چیست. اما اگر مستقیماً به من ایمیل بزنید، آن را با شما به اشتراک می‌گذارم و عواقب آن را می‌پذیرم. اما واقعیت این است که نمی‌دانم می‌توانیم آن را در یک سایت عمومی قرار دهیم یا نه.

اما این مقاله خیلی مهمی است که باید بخوانید. خوب، حالا بیایید در مورد این متن، اول قرن‌تین فصل ۲، آیات ۶ تا ۱۶ صحبت کنیم. اگر به آن نگاه کنید، قبلاً به شما اشاره کردم که فصل‌های ۱ تا ۴ دفاعیه پولس است، نه یک عذرخواهی به معنای «متأسفم»، بلکه عذرخواهی به معنای اثبات.

این درباره معرفت‌شناسی است. به آیه ۱۰ نگاه کنید. اما برای ما، آن جماعت وحی‌کننده، که ما آنها را رسولان و انبیا می‌نامیم، خدا این چیزها را از طریق روح خود به ما وحی کرده است.

این کار روح با رسولان است که وحیانی است، نه با ما. زیرا روح همه چیز را جستجو می‌کند و به چیزهای عمیق خدا نگاه می‌کند. برای کسانی که انسان در میان آنها می‌شناسد، از انواع تشبیهات استفاده می‌کند.

ما نه روح جهان، بلکه روحی را که از جانب خداست، دریافت می‌کنیم. ما در آیه ۱۳، از چیزهایی صحبت می‌کنیم که خدا از طریق روح، آنها را آشکار کرده است. ما نه با کلماتی که حکمت انسان می‌آموزد، بلکه با کلماتی که روح می‌آموزد، سخن می‌گوییم و چیزهای روحانی را با کلمات روحانی ترکیب می‌کنیم.

خب، در این متن چیزهای زیادی هست که می‌توانید در موردشان صحبت کنید. و من می‌توانم؛ فقط می‌خواهم در مورد همین یک چیز صحبت کنم. بنابراین، در اول قرن‌تین فصل ۲، تأکید این است که خدا کلام خود را از طریق روح به ما داده است.

و این همان چیزی است که آن را معتبر می‌سازد. این همان چیزی است که پولس رسول را در موعظه‌هایش معتبر می‌ساخت. بنابراین، این برگ برنده در رابطه با اینکه انجیل چه کسی انجیل درست است و چه چیزی در دادگاه مطرح است، می‌باشد.

باشه. ضمناً، این متن اغلب در مفهوم روشنی استفاده می‌شود، انگار که در مورد من صدق می‌کند. نه، من اینطور نیستم.

این من و تو نیستیم. این ما هستیم، یعنی جامعه‌ی رسولان، جامعه‌ی وحیانی که خدا برای انتقال حقیقتش به قرائت کتاب مقدس برگزید. فکر می‌کنم این بهترین خوانش از این متن است.

بسیار خب. همانطور که در موردش صحبت کردیم، این یک نکته کلیدی در این بحث است. و مقاله کایزر می‌تواند آن را با جزئیات بیشتری برای شما باز کند.

دوم، تأیید در رومیان ۸، ۱۴، اگر لحظه‌ای به رومیان ۸، ۱۴ و غلاطیان ۵، ۱۸ نگاه کنید، این سخنرانی به دلیل بررسی این متون، که کمی زمان می‌برد، اما مهم است، بسیار طولانی خواهد شد. رومیان ۸، ۱۴. من باید اینها را در اسلایدها قرار می‌دادم.

رومیان ۸:۱۴. به آیه ۱۲ برمی‌گردیم، جایی که پاراگراف شروع می‌شود. پس، برادر، ما مدیون هستیم، نه به جسم، تا بر اساس جسم زندگی کنیم.

زیرا اگر ما بر اساس جسم زندگی کنیم، شما باید بمیرید. اما اگر به وسیله روح، اعمال بدن را بکشید، زنده خواهید ماند. روح چگونه این کار را انجام می‌دهد؟ با به کار بردن کلمه.

زیرا هر که توسط روح هدایت شود. این یک استعاره است. کلمه هدایت شده یک استعاره است.

توسط روح هدایت می‌شوند. بنابراین، شما باید به این سوال پاسخ دهید که چگونه این اتفاق می‌افتد؟ این اتفاق از طریق کلام خدا رخ می‌دهد. ما توسط روح هدایت می‌شویم، نه به معنای مستقیم آن، بلکه به این معنا که ما را ملزم به پیروی از کتاب مقدس می‌کند.

فقط دو جا وجود دارد که سرب به عنوان استعاره استفاده شده است. یکی اینجا در رومیان ۸، و همچنین در غلاطیان ۵، ۱۸. ما توسط روح هدایت می‌شویم تا میوه روح را زندگی کنیم و از مقاومت در برابر اعمال نفس اجتناب کنیم.

بنابراین، لید یک استعاره است. در واقع، مقالاتی در این مورد وجود دارد که اشاره می‌کنند لید استعاره‌ای برای تقدیس است. زیرا روح به شدت در تقدیس ما دخیل است، که همانا به کارگیری، متقاعد کردن است نه ارائه محتوا، حتی تفسیر محتوا، بلکه به کارگیری آن محتوا در تفکر درونی خودمان، در فرآیندهای درونی خودمان هنگام مطالعه کلام خدا.

همانطور که گفتم، در هر دوی این متون، «هدایت» استعاره‌ای برای تقدیس است. این یک فراخوانی عرفانی به سوی فرآیندی خارج از کتاب مقدس نیست. وارفیلد مقاله‌ای در مورد هدایت روح دارد که این موضوع را به زیبایی بیان می‌کند.

سوم، گفتمان بالاخانه. این موضوع بسیار مورد بحث قرار گرفته است. این آخرین لحظه عیسی در بدن زمینی‌اش به همراه شاگردانش در بالاخانه است.

فکر می‌کنم دارند عید فصح را جشن می‌گیرند. بحث‌های زیادی در مورد اینکه آیا آنها غذا را خورده‌اند یا نه وجود دارد، اما مطمئناً آنها در رفاقت هستند و عیسی به آنها تعلیم می‌دهد. و در این زمینه، ما متون بسیار جالبی داریم که در یوحنا ۱۴:۲۶ آمده است، بیایید خیلی سریع به آنها نگاه کنیم.

یوحنا ۱۴:۲۶. اینها برای متون اثبات‌کننده وحی مستقیم استفاده می‌شوند، اما متن اصلی اینطور نیست. یوحنا ۱۴:۲۶.

اگر متوجه این شده باشید، اما تسلی‌دهنده، یعنی روح، روح القدس، که پدر به نام من می‌فرستد، همه چیز را به شما تعلیم خواهد داد و هر آنچه را که به شما گفته‌ام به یاد شما خواهد آورد. خب، شما کیستید؟ اینجا اتاق بالا است. عیسی با چه کسی صحبت می‌کند؟ او با شاگردان صحبت می‌کند، کسانی که قرار است هسته اصلی وحی مداوم خدا به کلیسا در نسبت کتاب مقدس باشند.

برخی نوشته‌اند که آنجا نبودند، مانند پولس و لوقا، اما ما پاسخ پولس را در رابطه با جاده دمشق و فراخوانده شدن به آسمان سوم داریم. پولس توضیح داده شده است، و پولس مرپی لوقا بوده است. در واقع، پدران کلیسا در مورد مرقس بسیار حساس هستند.

مرقس شاگرد پطرس بود. لوقا شاگرد پولس بود. اطلاعات آنها از پطرس و پولس آمده بود.

این منحصر به فرد نبود. این به خودی خود سرچشمه نگرفته بود. جالب است که چگونه کلیسای اولیه، در اظهارات مربوط به مرقس و لوقا، همیشه در این زمینه به پطرس و پولس اشاره می‌کرد.

بنابراین، این گفتمان اتاق بالا است. و بنابراین، با توجه به چیزهایی که به ذهن شما خطور می‌کند، به اعتقاد من، این وعده‌ای است از سوی این افراد که انجیل‌ها را تولید می‌کنند، وعده‌ای مبنی بر به خاطر سپردن آنچه عیسی گفته و بازتولید دقیق آن. چیزهای زیادی برای صحبت در مورد انجیل‌ها وجود دارد، حتی تنوع در روایت‌های انجیل، و همه اینها را می‌توان به روش‌های دیگری در زمان دیگری مورد بررسی قرار داد.

خیلی خب، ۱۶:۱۳. هنوز در حال سخنرانی در اتاق بالا هستم. ۱۶:۱۳.

ببخشید، چشمانم چطور؟ وقتی روح حقیقت بیاید، شما را به تمام حقیقت هدایت خواهد کرد. حالا خیلی‌ها این ادعا را می‌کنند، اما من فکر می‌کنم حرفشان بی‌ربط است.

شما را هدایت می‌کند «درباره شاگردان صحبت می‌کند. شما را به سوی تمام حقیقت هدایت می‌کند، اما او» از جانب خود سخن نخواهد گفت، بلکه درباره هر آنچه که باید حمل کند، سخن خواهد گفت و از امور آینده به شما خبر خواهد داد. بنابراین، این وعده دیگری به این جامعه و جامعه‌ای است که نماینده آن است.

یکی دیگر است. ۱۵۲۶. اما چون آن تسلی‌دهنده که او را از جانب پدر نزد شما می‌فرستم، یعنی روح ۱۵۲۶ راستی که از پدر صادر می‌شود، آید، او بر من شهادت خواهد داد، و نیز شهادت خواهد داد زیرا که با من بوده است.

بنابراین، مسئله شهادت دادن، شهادت دادن به مسیح مطرح می‌شود. اما واقعیت این است که این وعده‌ها وعده‌هایی برای ما نیستند که همه چیز برای ما آشکار شود یا حتی همه چیز را به ذهن ما بیاورند. آن قسمت در آیه ۱۴، قسمتی برای دعا قبل از امتحان نیست.

دعا می‌کنم که خدا چیزهایی را که مطالعه می‌کنید به ذهنتان بیاورد، اما نه لزوماً همه چیزهایی را که شنیده‌اید مگر اینکه آنها را مطالعه کرده باشید. بسیار خوب؟ اگر متوجه نشوید، این فقط یک شوخی است. بنابراین، در این زمینه از رویداد و مخاطبان، متون کلیدی برای گروه محدودی، یعنی رسولان و کسانی که خاطره رویداد یا کلام را حفظ می‌کنند، صدق می‌کند.

اینها وعده‌های عمومی وحی برای هر کسی نیستند. این جنبه‌ای توصیفی از خداست که تضمین می‌کند ما بالاخره آنچه را که او می‌خواهد از طریق نمایندگان به دست آوریم. در اینجا متن دیگری وجود دارد که به شدت مورد سوءاستفاده قرار گرفته است.

اول یوحنا ۲، آیات ۲۶ و ۲۷. باید به این موضوع نگاهی بیندازیم. اول یوحنا ۲، آیات ۲۶ و ۲۷.

حالا، همه شما که به این ویدیوها گوش می‌دهید، همان چیزی هستید که ما آن را اهالی بریان می‌نامیم. وظیفه شماست که بیرون بروید و تکالیف خودتان را انجام دهید. من به شما پیشنهاد می‌دهم، و روشی که من این کار را انجام داده‌ام، و شرایطی که به آن رسیده‌ام، و پاسخ شما همان کاری را خواهد کرد که یک بریانی برای بررسی آن انجام می‌دهد.

اما حالا به این گوش کنید. در اول یوحنا ۲، آیات ۲۶ و ۲۷. خوب، من شنیده‌ام، مردم این را به من نسبت داده‌اند.

آیه ۲۴. یوحنا با مخاطبانی که او را راهنمایی کرده است صحبت می‌کند. در مورد شما، بگذارید این در شما بماند، همانطور که از ابتدا شنیدید.

اگر آنچه از ابتدا شنیدید در شما بماند، شما نیز در پسر و در پدر خواهید ماند. احتمالاً اشاره به راهنمایی و تعلیم یحیی در ایمان آوردن آنها دارد. و این وعده‌ای است که او به ما داده است، یعنی حیات جاودان.

این چیزها را در مورد کسانی که شما را همراه می‌کنند به شما نوشتم. خوب، ما اینجا مزاحمانی داریم. ما مخاطب دیگری داریم که یوحنا سعی دارد این افراد را از آنجا نجات دهد.

آیه ۲۷. و اما شما، مسیحی که دریافت می‌کنید چیست؟ من آن را توضیح خواهم داد. از اوست که در شما می‌ماند و نیازی نیست کسی به شما تعلیم دهد.

اما همانطور که مسح او در مورد همه چیز به شما تعلیم می‌دهد و حقیقت است، نه دروغ، همانطور که من به شما آموختم، در او می‌مانید. بسیار خوب. بنابراین، آیه ۲۷ کنار گذاشته شده است که شما به معلم نیاز ندارید.

خب، پس چرا عیسی گفت که من شما را به جهان می‌فرستم تا به مردم تعلیم دهید؟ چرا پولس گفت همانطور که من به شما تعلیم داده‌ام، به دیگران تعلیم دهید؟ ببینید، اگر بگویید که به معلم نیاز ندارید، با کتاب مقدس مغایرت دارد. بنابراین، این حرف دقیقاً چیز متفاوتی را بیان می‌کند. در مورد شما، مسح، خب، آن چیست؟ خب، من فکر می‌کنم این روح خداست که در این اعتقاد کار می‌کند که آنچه یحیی به آنها تعلیم می‌داد، درست است.

آنچه از او دریافت می‌کنید، و نیازی نیست که اجازه دهید کسی به شما بیاموزد. می‌توانید با اضافه کردن یک کلمه، کل این زمینه را در درک خود اصلاح کنید. اگر به آیه ۲۷ توجه کنید، نیازی نیست کس دیگری به شما آموزش دهد.

در آیه ۲۰، به آیه‌ای که از آیه ۲۴ شروع کردیم و ادامه دادیم، و در آیه ۲۶، افرادی بودند که سعی داشتند به آنها تعلیم دهند. چیزی غیر از آنچه یحیی به آنها آموخت. یحیی برمی‌گردد و می‌گوید، یک دقیقه صبر کنید. وقتی من به شما تعلیم دادم، شما محکوم شدید؛ شما مسح شدید تا به عیسی ایمان بیاورید.

و این قبل از این است که این مطالب حتی نوشته شوند، می‌بینید. این بعد از این نوشته شده است که آنها دچار مشکل شدند و او مجبور شد برای آنها بنویسد. او گفت، به آنها گوش ندهید؛ شما مسح دارید؛ وقتی به شما آموختم که این درست است، شما محکوم شدید.

چرا باید این را رها کنی؟ تو هیچ نیازی به کس دیگری نداری که به تو آموزش دهد. حالا، باید آن متن را با دقت بخوانی چون نمی‌گویند که به معلم نیاز نداری. دارد می‌گوید که به معلم‌های دیگری که منحرف می‌شوند. و آموزش درست و به تو داده شده را خراب می‌کنند، نیازی نداری.

خب، در باب مباحثات بالاخانه، یک شماره دیگر از رساله اول یوحنا هست، و یک شماره دیگر هم هست که خیلی مهم است، و من واقعاً وقتم تمام شده، اما باید شما را به این موضوع برسانم. و اجازه می‌دهم کمی از یادداشت‌های این یکی را بخوانید. با این حال، در کولسیان، فصل اول، پولس جمله جالبی می‌گوید که هزار بار از متن خارج می‌شود.

و مشکل واقعی اینجا در کولسیان این است که ما به چیزی گوش می‌دهیم که من آن را زبان مذهبی پولس می‌نامم. پولس از استعاره‌های زیادی استفاده می‌کند. او چیز جدیدی معرفی نمی‌کند زیرا خودش در آنجا نبوده است، اما احتمالاً اپافراس کلیسا را تحت تعلیم پولس تأسیس کرده است.

اما در کولسیان، فصل ۱، آیات ۹ و بعد از آن، من از نسخه استاندارد آمریکایی ۱۹۰۱ می‌خوانم. این یک نسخه بسیار رسمی است. به همین دلیل، ما نیز، از روزی که آن را شنیدیم، از دعا و درخواست برای شما دست نمی‌کشیم تا پر شوید.

خب، پر شدن یعنی چی؟ پر شدن به استعاره است. یعنی توصیف شدن، نه بیشتر شدن. شاید با آگاهی از اراده‌ی او پر شده باشه.

این به معنای کسب دانش نیست؛ بلکه به معنای توصیف شدن با آن است. می بینید، نکته‌ی این متن این است که این یک نامه است. ما فقط یک سر مکالمه‌ی تلفنی داریم.

، آنها قبلاً آموزش دیده بودند. پایه و اساس حقیقت مسیحی از تیم پولس به آنها داده شده بود. و در نتیجه، پولس می گوید، لازم نیست آن را برای شما تکرار کنم.

از شما می خواهم که مطابق آن عمل کنید، شخصیت او را داشته باشید و از شناخت اراده او در تمام حکمت و فهم معنوی پر شوید، زیرا این همان چیزی است که باید باشد. به گونه‌ای شایسته خداوند رفتار کنید که همه چیز را خشنود سازد، در هر کار نیک ثمر بیاورید، در شناخت خدا رشد کنید، تقویت شوید، شکرگزار باشید و غیره. بنابراین در کولسیان چیزهای بیشتری برای گفتن وجود دارد.

من یک دوره آموزشی منحصراً در مورد کولسیان تدریس کردم. من به شدت روی آن کار کردم. اما نکته‌ای که می توانیم در این مقطع زمانی به آن اشاره کنیم این است که وقتی پولس در کولسیان با آنها صحبت می کند در مورد این واقعیت صحبت می کند که می خواهد آنها مطابق آموزه‌هایی که دریافت کرده‌اند عمل کنند تا شخصیت آنها مشخص شود.

حالا فقط برای سرعت بیشتر به یادداشت‌ها توجه کنید. در بُعد شناختی در آیه ۹ب، سعی می کنم منظور شما را برسانم، بنابراین من هم در همان صفحه هستم. شما در صفحه ۴ هستید، صفحه ۴. و اگر اینجا متوجه شدید، بگذارید کمی از این را برای شما بخوانم، و می دانید، آن را آسان تر و سریع تر کنم.

بسیار خوب. آن چیزی که الان اشاره کردیم، ممکن است پر شود. اهمیت این استعاره چیست؟ پر بودن از چیزی به معنای بیشتر به دست آوردن آن نیست.

استعاره این است که با آنچه از آن پر بودید، توصیف شوید. دورکاس در اعمال رسولان ۹:۳۶ پر از اعمال نیک بود. زندگی او با اعمال نیک، با این اعمال، توصیف می شد.

در افسسیان ۵:۱۸، پر شدن از روح به معنای دریافت بیشتر روح نیست. بلکه به معنای توصیف شدن با ویژگی‌های روح است که در افسسیان ۵:۱۹ تا ۲۱ به آنها اشاره شده است. بنابراین، پر شدن از چیزی، و پر شدن در کولسیان ۱:۹، به معنای توصیف شدن با محتوای آن چیز است، یعنی چیزهایی که به آنها آموخته شده و مسح روح خدا آنها را ملزم کرده است.

این محتوا نبود. یوحنا محتوا را ارائه داد و روح آنها را متقاعد کرد که محتوا درست است. این به معنای به دست آوردن چیزی نیست، بلکه به معنای توصیف شدن با آن است، که فرض می کند شما از قبل آن را دارید، و نویسنده سطوح بالاتری از اثبات را می خواهد.

بنابراین، وقتی پولس می گوید که باید شخصیت خود را نشان دهید، منظورش این است که گوش کنید، شما قبلاً آموزش دیده‌اید. تیم من به شما به خوبی آموزش داده است. از آن آموزش منحرف نشوید، بلکه با آن شخصیت پیدا کنید.

در زندگی خود مطابق آن عمل کنید. پاراگراف بعدی. اکنون، ممکن است از دانش اراده او سرشار شوید.

در اینجا، هدف برای پر کردن ارائه شده است. شما ممکن است با آگاهی از اراده او مشخص شوید. این به معنای کسب دانش بیشتر نیست.

یعنی با دانشی که دارید و به شما آموخته شده است، مشخص می‌شود. این فراخوانی است برای رسیدن به بلوغ در رابطه با دانشی که از خدا دارید، در مقایسه با تیمی که در آن اراده او را می‌دانید، که قبلاً دیدیم. بیان پولس از معنویت، کلیشه‌هایی است که او در اینجا به کار می‌برد.

من آن را زبان مذهبی پولس می‌نامم، و اگر این استعاره را نفهمید، کل ماجرا را از دست می‌دهید، و الهیات خودتان را خلق می‌کنید. پولس هرگز مخاطبانش را به نوعی تجربه لذت و خوشی، آن قلمرو وصف‌ناپذیر و مخرب، فرا نمی‌خواند. او هرگز مخاطبانش را به آن فرا نمی‌خواند.

او همیشه راه را برای رسیدن به پدر هموار می‌کند. با این حال، ما اغلب سخنان او را از متن استنباط می‌کنیم و با این ایده‌ی زاهدانه‌ی خودمان که خدا قرار است چیزی به من بگوید، چیزی از او می‌سازیم که قصد گفتنش را نداشته است. نه، او این کار را نمی‌کند.

او چیزی به شما گفته است. نیازی نیست چیزی به شما بگوید. مسئولیت شما این است که آنچه را که او به شما گفته است، درک کنید.

خب، اینجا چیزهای بیشتری هست. من قرار نیست همه اینها را برای شما بخوانم، اما خودتان می‌توانید آن را ببینید. بیایید به نتیجه‌گیری در آخرین صفحه جزوه شما برویم.

در واقع، ما هستیم؛ این در پایین صفحه چهارم تا انتهای صفحه آخر است. نتیجه‌گیری این است که زبان معنویت پولس این سوال را ایجاد می‌کند که آیا پولس معرفت‌شناسی معنویت را ماهیتی عینی یا ذهنی می‌داند. در حالی که پاسخ‌های ما به حقیقت خدا قطعاً جنبه‌ای ذهنی دارد، من معتقدم که تفسیر دقیق پولس و دیگر نویسندگان عهد جدید نیز نشان خواهد داد که جنبه‌های بنیادی معنویت در حوزه عینی هستند.

برای مثال، فهرست توصیه‌های مجازی، عینی است. آنها ساختارهای اخلاقانه‌ای هستند. منظورم این است که شما نمی‌توانید تصویری از عشق یا صبر ترسیم کنید.

شما باید آن را توصیف کنید. آنها توصیفی هستند. و بنابراین، شما باید از آن نقطه نظر به آن بپردازید.

داده‌هایی که ما معنویت را با آنها تعریف می‌کنیم، حقیقت گزاره‌ای است. کارکرد معنویت در کتاب مقدس به طور عینی قابل اثبات است. برخی متون وجود دارد.

دعوت به دانستن، دعوتی برای سرشار شدن از آن، دعوتی برای دانش عرفانی یا کسب دانش بیشتر نیست، بلکه دعوتی برای تعامل با پایگاه داده و حیانی است که قبلاً به آنها داده شده است. به آنها آموزش داده شده بود. آنها ممکن است نسخه‌ای از برخی از چیزهایی که پولس نوشته یا حتی از بقیه داشته باشند.

و این چیزی بود که آنها مجبور بودند با آن زندگی کنند. آنها به این معلمان وابسته بودند. اوه، می‌دانید، در عهد جدید یک موهبت پیامبری وجود دارد.

و برخی می‌گویند، و من فکر می‌کنم آنها در مسیر درست هستند، که شما رسولان را دارید، که تعدادشان محدود بود، اما می‌توان گفت که پیامبر یک واعظ الهام گرفته بود. به عبارت دیگر، پیامبر توسط خدا هدایت می‌شد تا آنچه را که رسولان آموخته بودند به طور دقیق منتقل کند. و بنابراین، به اصطلاح، تعداد بیشتری از آنها وجود داشتند.

و آنها در آن جوامع بودند و با اقتدار آنچه را که از رسولان آموخته بودند، آموزش می‌دادند. خب. خب. با این همه چیزهایی که می‌توانیم اینجا بررسی کنیم، خیلی چیزها ذهنم را مشغول کرده است.

اما واقعیت این است که نقش روح، نقش متقاعد کردن است، نه انتقال محتوا. و من فکر می‌کنم متنی که دیده‌ایم و بررسی کرده‌ایم، این را تأیید می‌کند. حالا صفحه آخر

نقش روح القدس هدایت درونی مؤمن است. اگر همه این متون را با هم در نظر بگیریم، امیدوارم که به مطالعه آنها ادامه دهید، بنابراین آنها را به طور کامل مطالعه کنید. بررسی متن در این حوزه نشان می‌دهد که کار روح القدس این است که ما را در رابطه با کلام خدا متقاعد کند.

متن معمولاً حاکی از وجود دستورالعمل‌های کتاب مقدس است که روح القدس از قبل به آنها اشاره می‌کند و آنها را ملزم می‌سازد. روح القدس نقش مستقلی ایفا نمی‌کند، بلکه مؤمن را در مورد کلام و نیاز آنها به اطاعت درست همانطور که گناهکار را به نیازشان به مسیح محکوم می‌کند، ملزم می‌کند. اول قرن‌تین ۲ روشن می‌کند که روح القدس در رسولان کار کرده تا تولید کلام را تضمین کند و مؤمن را به نیازشان به دانستن و اطاعت ملزم می‌کند.

کار روح القدس در چارچوب پارامترهایی است که توسط شهادت الهیات روح القدس تعریف شده است. روح القدس در رابطه با کلام، ما را ملزم می‌کند. و این مسئولیت ماست که آن کلام را درک کنیم و به روح القدس، به اصطلاح، چیزی برای کار کردن بدهیم.

می‌دانم که این بخش بزرگی از حوزه‌ای است که برای اکثر سنت‌های الهیاتی، از یک جهت یا جهت دیگر، نسبتاً مقدس است. و امیدوارم شما را تحریک کرده باشم که در مورد نقش روح القدس فکر کنید. مواردی را که برای شما ذکر کردم بخوانید. موارد دیگر را نیز بخوانید.

شما باید خودتان این را بسنجید. نمی‌توان این مسائل را به راحتی به خوردتان داد. اما می‌خواهم بگویم که بعد از کارم و چیزهایی که در موردشان فکر کرده‌ام، شخصاً متقاعد شده‌ام که روح القدس ما را در مورد کلام ملزم می‌کند.

ما یک کتاب مقدس الهام گرفته از خدا داریم. ما مفسران الهام گرفته از خدا نداریم، اما مفسری داریم که ما را به اطاعت از کلام خدا سوق می‌دهد. و می‌توانیم بقیه عمرمان را صرف شهادت دادن به چیزهایی کنیم که در کتاب مقدس واضح و آشکار هستند.

ما می‌توانیم زندگی خود را همین‌جا بگذرانیم. و با این حال، به نظر من، این به جلال خداست که ما به دنبال چیزهای دشوارتر برویم. همانطور که حتی پطرس گفت، پولس چیزهایی می‌نویسد که درک آنها دشوار است.

پس، خدا شما را حفظ کند. سخنرانی بعدی ما در مورد مسئله‌ی مشیت الهی خواهد بود. و از این سخنرانی مختصرتر خواهد بود.

این یکی کمی طولانی شد. پس، روز خوبی داشته باشید.